

عنوان مقاله:

فهم طبیعت در معماری بومی

محل انتشار:

دومین کنگره بین المللی سازه، معماری و توسعه شهری (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

غزاله رفیق - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

مژگان خاکپور - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

خلاصه مقاله:

طبیعت همواره جایگاهی ویژه در شکلگیری جهانی جوامع مختلف داشته است. رویکردها و نگرشهای مختلف برآمده از جهانی، موجب شکلگیری کیفیات متفاوت در معماری بوده و گاه در معنای ماده، ذات و سرمنشای حیات در معماری متجلی شده است. بینشها و تفکرات انسان در مورد تعریف جایگاه طبیعت و نسبت آن با انسان که گاه آن را بالاتر و یا پایینتر از جایگاه انسان قلمداد میکند، یکی از علل تفاوت‌های کالبدی معماریهای گوناگون است، به طوریکه نگرش انسان به طبیعت و ماورا را میتوان زیربنای مفهومی در شکلگیری معماری دانست. در فهم نسبت جایگاه انسان و طبیعت، این سؤال مطرح است که چگونه طبیعت در معماری بومی متجلی بوده و تطابق این دو در فهم انسان سنتی چگونه است؟ در این مقاله با روش تحقیق توصیفی تحلیلی، به تبیین مفهوم طبیعت در معماری بومی پرداخته میشود. اطلاعات تحقیق بر مبنای مطالعات اسنادی بوده و در تحلیل اطلاعات به تناوب از استقرا استفاده شده است. دستاوردهای تحقیق بیانگر آن است که زمانی انسان در همزیستی و هماهنگی مسالمت آمیز با طبیعت بهسر میبرده است و نوع نظر او به طبیعت و نگرش او به هستی، سبب شکلگیری معماری بومی است که حاصل آن پیوستگی معماری و طبیعت بوده است. در معماری بومی، طبیعت به عنوان مبدای اول حرکت و حقیقت الهی و چیزی که از آن حرکت و سکون پدید می آید، پایه ی هویت انسان میباشد که انسان هم جزئی از آن است. راز مانایی و پایداری این جزء، هماهنگی با کل است و انسانیت انسان در گرو فعال شدن و هماهنگ شدن او به عنوان یک جزء در کل طبیعت است در این راستا، بین انسان و طبیعت در معماری بومی همسختی و مشابهت ذاتی وجود دارد که آنها را به مبدا هستی (طبیعت در معنای سرمنشا) وصل میکند و هدفش یکی شدن با کل است. اساس این بینش، معنوی است و هدف آن تأکید بر ساخت فراطبیعی وجود انسان است. جایی که طبیعت، دیگر انسان را اقتناع نمیکند و انسان در آن به تنهایی و غربت میرسد. بدین جهت که طبیعت، نزد انسان بومی به عنوان مبدا هستی و سرچشمه ی حیات شناخته میشود، به ساخت و آثار هنری او یک وجهی روحانی میبخشیده است و این بینش معنوی انسان نسبت به طبیعت در جامعهی پیش از مدرن و تقدیس و احترام آن، سبب اتحاد کامل انسان و طبیعت میشده و رمز پایدارکننده و کلید ماندگاری این نوع از معماری نسبت به رویکردهای طبیعتگرایی معماری معاصر بوده است.

کلمات کلیدی:

طبیعتگرایی، معماری بومی، معماری معاصر، نظام طبیعی، سنت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/353794>

